



Analyzing Iran's Legislative Policy Regarding Marginalization

واکاوی سیاست تقنینی ایران در خصوص حاشیه نشینی

Nasim Karimi

Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Buin Zahra Branch, Buin Zahra, Iran

نسیم کریمی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوئین زهرا، بوئین زهرا، ایران

ir.karimii1398@gmail.com

Abstract

Marginalization as an external factor causing crime is of great importance in criminology and criminal sociology studies and is considered as one of the causes of delinquency. This is because the areas where marginalized people live are part of the areas that are very ready to commit crimes, the lack of sufficient supervision in these areas, the existence of very needy and unemployed people, the low level of literacy, etc. These factors have made it easy for criminals to live in this place, and as long as these factors exist, these areas will be crime-prone. What we are trying to investigate is the crimes and anomalies that originate from living in marginal areas and the place this has in Iran's criminal system. In the current study, the position of marginalization in the legislative policy of the Iranian criminal system is investigated. The applied method in this descriptive-analytical research and the data collection tool is also a questionnaire. The goal that can be stated for this research is to investigate the position of marginalization in the legislative policy of Iran's criminal system. In connection with the mentioned goal, the main question that is raised is, what is the place of marginalization in the legislative policy of Iran's criminal system? It seems that the issue of marginalization has no place in the criminal legal system and legislative policies such as legal solutions, physical solutions and supervisory solutions are necessary. The findings of the research show that in order to combat the phenomenon of marginalization, a well-considered and appropriate policy has not been implemented and does not exist.

Keywords: legislative policy, marginalization, Iran.

چکیده

حاشیه‌نشینی به عنوان یک عامل بیرونی جرم‌زا از اهمیت چندانی در مطالعات جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی برخوردار بوده و به عنوان یکی از علل بزهکاری به شمار می‌رود. به این دلیل که مناطقی که حاشیه‌نشینان در آنجا سکونت دارند، جزء مناطقی می‌باشند که آمادگی زیادی برای ارتکاب جرم را دارند، نبود نظارت کافی در این مناطق، وجود افراد بسیار نیازمند و بدون کار، پایین بودن سطح سواد و غیره همه این عوامل موجب شده تا افراد مجرم در این مکان به راحتی سکونت کنند و تا زمانی که این عوامل وجود داشته باشد این مناطق جرم‌خیز خواهند بود. آنچه در پی بررسی آن هستیم، جرائم و ناهنجاری‌هایی که منشاء آن سکونت در مناطق حاشیه‌نشین است و جایگاهی که این امر در نظام کیفری ایران دارد می‌باشد. در پژوهش حاضر جایگاه حاشیه‌نشینی در سیاست تقنینی نظام کیفری ایران بررسی می‌شود. روش کاربردی در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش‌برداری می‌باشد. هدفی که می‌توان برای این پژوهش برشمرد، بررسی جایگاه حاشیه‌نشینی در سیاست تقنینی نظام کیفری ایران می‌باشد. در ارتباط با هدف مذکور سوال اصلی که مطرح می‌گردد این است که حاشیه‌نشینی در سیاست تقنینی نظام کیفری ایران چه جایگاهی دارد؟ به نظر می‌رسد مسئله حاشیه‌نشینی در نظام حقوقی کیفری دارای جایگاهی نمی‌باشد و سیاست‌های تقنینی چون راهکارهای قانونی، راهکارهای کالبدی و راه‌حل‌های نظارتی لازم می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در جهت مبارزه با پدیده حاشیه‌نشینی سیاست سنجیده و مناسبی صورت نگرفته و وجود ندارد.

واژگان کلیدی: سیاست تقنینی، حاشیه‌نشینی، ایران.

Received: 2023/05/24 - Review: 2023/07/25 - Accepted: 2023/08/30

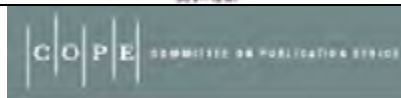
دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

ارجاع:

کریمی، نسیم؛ (۱۴۰۲)، واکاوی سیاست تقنینی ایران در خصوص حاشیه‌نشینی، تمدن حقوقی، شماره ۱۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است اجتماعی و به عنوان معضل اجتماعی مورد توجه جامعه‌شناسان شهری و سایر علوم مربوط به شهرسازی قرار گرفته است. معضل حاشیه‌نشینی یا سکونتگاه‌های غیررسمی در بخش عظیمی از کشورهای جهان، به ویژه در کلانشهرهای قاره‌های آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی، گریبانگیر مدیریت شهری می‌باشد. طبق آمارهای موجود، قریب بیست تا سی درصد ساکنین کلانشهرها در سکونتگاه‌های ناهنجار زندگی کرده و دست به گریبان معضلات خاص محلات فوق می‌باشند. حاشیه‌نشینی مترادف با آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است. اگرچه حاشیه‌نشینان آسیب‌زا و منحرف نیستند ولی شرایط و موقعیت جغرافیایی ایجاب می‌کند تا برای منحرفان، منطقه اخلاقی و فرهنگی خاصی ایجاد شود. زندگی حاشیه‌نشینی و کنش متقابل اعضای آن‌ها با یکدیگر عامل به وجود آورنده فرهنگ خاصی است که با فرهنگ متداول حاکم بر جامعه تفاوت دارد. خرده فرهنگ زاغه‌ای از افرادی تشکیل یافته که کم و بیش مشکلات مشابهی دارند و ارتباطات آن‌ها با یکدیگر، ارزش‌ها و گرایش‌های جدیدی را پدید می‌آورد. بنابراین بسیاری از رفتارهایی که در فرهنگ حاکم جامعه، ناهنجار و یا انحرافی تلقی می‌شوند، در این مکان‌ها عادی هستند.

شهرنشینی در ایران نیز با بروز و ظهور مشکلاتی چون بی‌مسکنی و بدمسکنی، معضل حاشیه‌نشینی و رشد زاغه‌ها و سکونت‌های غیررسمی، چالش‌های زیست محیطی، عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، معضل دفع زباله، مشکل ترافیکی و آمد و شد، گسترش انحرافات اجتماعی، مسئله تأمین کار، انواع نارضایتی‌های جمعی و احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر، همراه بوده است. عدم مشارکت،

احساس تبعیض، نداشتن روحیه شهروندی، کامروایی‌های معوق و... از ویژگی‌های عمده شخصیتی حاشیه‌نشینان است. حاشیه‌نشین این احساس را دارد که شهر خانه او نیست. لذا پیوسته در تضاد میان عینیت و ذهنیت به سر می‌برد.

با توجه به مطالبی که بیان گردید، این پژوهش از چهار بخش تشکیل شده است که بخش اول آن به راهکارهایی برای جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی پرداخته است، بخش دوم؛ قوانین و مقررات حاوی برنامه‌های راهبردی چاره‌جویی مشکلات حاشیه‌نشینی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش سوم سیاست‌گذاری‌های مربوط به حاشیه‌نشینی از دریچه توانمندسازی این مناطق را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بخش چهارم سیاست تقنینی در کشور ایران در خصوص پدیده حاشیه‌نشینی را به خود اختصاص داده است.

۱- راهکارها و برنامه‌های راهبردی-حقوقی برای جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی

۱-۱- راهکارهایی در خصوص معضل حاشیه‌نشینی

در این بخش با توجه به زمینه‌هایی مانند مسکن و مسائل حقوقی به ارائه راهکارها و پیشنهادهایی برای کاهش مشکلات حاشیه‌نشینی، پرداخته می‌شود. به طور کلی در زمینه راهکارهای جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی باید به دو اصل توجه داشت: یکی ریشه‌یابی مشکلات اجتماعی نظیر حاشیه‌نشینی و دیگری برنامه‌ریزی برای برطرف نمودن موانع، عوامل پیدایش و گسترش این پدیده اجتماعی. در برخورد با پدیده حاشیه‌نشینی باید به جای توجه به معلول، بروز علت‌ها را مورد بررسی قرار داد و با برنامه‌ریزی جامع و علمی برای برطرف کردن این پدیده تلاش کرد. بنابراین امکان از بین بردن این معضل اجتماعی وجود دارد به شرط آن که شناخت و برنامه‌ریزی علمی جانشین برنامه‌ریزی مقطعی، ظاهری و یا ساده‌انگاری شود. اختلاف سطح توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا یکی از عوامل عمده مهاجرت روستاییان به شهرها و در نتیجه بروز و گسترش پدیده حاشیه‌نشینی است و تا زمانی که این اختلاف سطح از بین نرود، همچنان مهاجرت از روستا به شهرها و نیز ایجاد مناطقی به نام حاشیه ادامه خواهد یافت (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳، ۳۹).

از بین بردن اختلاف سطح میان روستا و شهر بدین معنا نیست که روستاها به شهر تبدیل شوند و یا همه امکاناتی که در شهرها وجود دارد باید در روستاها فراهم شود بلکه باید امکانات خاصی که موجب این اختلاف سطح گردیده در معیاری معقول و مناسب در روستا ایجاد شود تا موجب اقامت و ماندگاری روستاییان در روستاها و نیز مانع مهاجرت‌های انبوه آنان به شهرها شود. در زمینه‌های چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اولویت باید با روستاها باشد تا اختلاف سطح توسعه از بین برود و پس از این

که در زمینه‌های یاد شده میان شهرها و روستاهای کشورمان به سطحی برابر دست یافتیم آنگاه می‌توانیم به طور مساوی شهرنشینان و روستاییان را از امکانات توسعه بهره‌مند سازیم. در صورت محقق شدن این هدف، روستاییان نیازی به مهاجرت توده‌ای به شهرها نمی‌بینند.

با توجه به موارد فوق، جهت پیشگیری و کاهش جرم در مناطق حاشیه‌نشین راهکارهای زیر را می‌توان مدنظر قرار داد: ارتقاء کیفیت سکونت از طریق اعطای برخی امکانات و تسهیلات و سعی در تطبیق منازل و محلات با اصول و معیارهای شهرسازی. سرمایه‌گذاری در این مناطق بدون هیچ‌گونه چشمداشت یا توجه به توجیه اقتصادی و درآمدزایی برای دستگاه‌های مربوط از جمله شهرداری‌ها صورت پذیرد. احداث معابر و گذرگاه‌های عادی و ویژه در این مناطق که امکان دسترسی آسان و فوری پلیس و نیروهای انتظامی و امنیتی و اکیپ‌های امداد مثل خودروهای آتش‌نشانی و اورژانس و غیره را فراهم نماید. ایجاد روشنایی کافی در کوچه‌ها و معابر. تجربه نشان داده که در مکان‌های تاریک امکان ارتکاب جرم از جمله سرقت و جرح و قتل بیشتر از مکان‌های روشن است و وجود روشنایی کافی در این مناطق خود عامل بازدارنده در ارتکاب جرایم ذکر شده خواهد بود. شناسایی اراذل و اوباش و مجرمان سابقه‌دار این مناطق و تشکیل شناسنامه برای نامبردگان و تحت کنترل قرار دادن آن‌ها از طریق احضارهای اتفاقی به مراجع انتظامی. بالابردن ضریب امنیتی مناطق یادشده توسط مراجع انتظامی و امنیتی از طریق ایجاد کلابتری‌ها و مراکز انتظامی ثابت و حضور مرتب گشت‌های سیار در محلات و معابر. تعطیلی سریع مراکز صنفی فاقد مجوز و پروانه کسب و الزام آن‌ها جهت اخذ مجوز و پروانه کسب و سایر مجوزهای لازم و سپس نظارت کامل و دقیق نسبت به فعالیت مراکز یادشده و برخورد قاطع با افراد متخلف توسط واحدهای اماکن عمومی نیروی انتظامی. زیباسازی ظاهر ساختمان‌ها و بناهای موجود در این مناطق. ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم جهت پرکردن اوقات فراغت ساکنان مناطق حاشیه‌نشین و فرهنگ‌سازی و آموزش آنان. بازرسی و نظارت دوره‌ای و سرزده کارشناسان بهداشت و محیط زیست از مناطق حاشیه‌نشین و جلوگیری از اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست. در تصویب طرح‌ها و برنامه‌ها و پروژه‌های مهم شهری از نظر مشورتی و تأیید جامعه‌شناسان، حقوقدانان و به ویژه جرم‌شناسان استفاده شود. شناسایی، پیشگیری و کاهش جرایم در مناطقی که هنوز حاشیه‌نشینان در آن‌ها رواج نیافته ولی مستعد حاشیه‌نشینی هستند (داودپور، ۱۳۹۴، ۹۸).

۱-۲- راهکارهای ساماندهی حوزه‌های مختلف مرتبط با معضل حاشیه‌نشینی

یکی از عوامل اصلی گسترش حاشیه‌نشینی عدم توجه به اقشار کم درآمد در برنامه‌ریزی کالبدی در بخش

مسکن شهری است. از این رو باید با تدوین و اجرای برنامه درازمدت و توسعه درون‌زا و تغییر بافت سنتی و ساختار اجتماعی-اقتصادی شکل گرفته در جامعه و برنامه‌ریزی شهری و مسکن به اصلاح بافت فضاهای حاشیه‌ای شهری از جمله مسکن پرداخت. در خصوص مسائل حقوقی می‌توان بیان نمود که مسئله مالکیت زمین و مسکن، عدم احراز مالکیت، تصرف زمین و عدم هماهنگی سازمان‌ها موجب مشکلات حقوقی شده است. اقدام یک‌سویه اداره ثبت اسناد و املاک و صدور سند مالکیت برای متصرفان، بدون توجه به ابعاد دیگر و نظر سایر سازمان‌ها موجب رسمیت بخشیدن به اقدامات متصرفان می‌شود.

عدم ارائه خدمات توسط شهرداری و در عین حال ارائه خدمات توسط ادارات دیگر از قبیل اداره برق و... موجب نابسامانی، توسعه نامتوازن و ناهماهنگی مدیریتی در این مناطق می‌شود که خود مشکلات تصمیم‌گیری بعدی و سردرگمی تصمیم‌گیران و سیاستگذاران را به دنبال خواهد داشت که این امر در خصوص مسائل مدیریتی نمایان است. در مورد مسائل زیست محیطی نیز، نبود شبکه فاضلاب، رهاسازی زباله، غیربهداشتی بودن مسکن، نداشتن تهویه و سرویس بهداشتی نامناسب و فضای ناکافی و غیراستاندارد، تراکم بالای جمعیت، مصالح نامرغوب در ساختمان‌های مسکونی و... از دیگر نارسائی‌های موجود در مناطق حاشیه‌ای می‌باشد. سکونت‌گاه‌های غیررسمی با جمعیتی ناهمگون و شکل‌گیری جزیره‌های فقر در درون و حاشیه شهرها، پذیرای ناهنجاری‌ها و برانگیزاننده آسیب‌های اجتماعی هستند. بدین ترتیب پرداختن به مسئله اسکان این افراد نه تنها ضرورتی برآمده از ارزش‌های اعتقادی و انسانی است بلکه سازگار با منافع اجتماعی و توسعه ملی است.

در تحلیل انحرافات اجتماعی باید به مسائل از ابعاد مختلف توجه نمود. از جمله در این زمینه باید به نکات زیر توجه شود: بررسی علل انحراف در ابعاد فردی و اجتماعی؛ توجه به وجود خرده فرهنگ‌ها؛ توجه به کنترل اجتماعی در جامعه و خانواده؛ توجه به امکانات موجود در جامعه و محدودیت‌های آن؛ در نهایت، توسعه بی‌رویه و نبودن طرح‌ریزی و نقشه‌بندی علمی شهری، افزایش ساخت و سازهای بی‌ضابطه و ناهنجار، رشد بی‌رویه جمعیت، عدم تناسب بین امکانات موجود و نیازها، ناهمگونی فرهنگی، وضعیت نامناسب اقتصادی اغلب ساکنان و... از دیگر ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین است (مظفری‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۰۲).

احیای فرهنگ و هنر اولیه بومیان در زمینه تشکیل نمایشگاه آثار فرهنگی، قومی، موسیقی، کالس زبان، ورزش‌های بومی، تدریس زبان و ادبیات فارسی و شعرخوانی؛ احیای فرهنگ محله‌ای و مدیریت ریش سفیدی در محله‌های حاشیه‌ای؛ تشکیل انجمن‌های مدنی، بهداشتی، حرفه‌ای، ورزشی و هنری در محلات حاشیه‌ای برای جلوگیری از بازتولید فقر؛ تقویت سازمان‌های فرهنگی در مناطق حاشیه‌ای؛ اعزام

عناصر فرهنگی شناخته شده برای فعالیت در سازمان‌های فرهنگی حاشیه‌ای که دارای ظرفیت‌های لازم فرهنگی و اجتماعی باشند و پیشاپیش با مسائل بومی منطقه آشنا شده باشند؛ تشکیل کانون‌های فرهنگی، هنری و مدنی از سوی جوانان محله‌های حاشیه‌ای؛ استفاده از قابلیت‌های بالای نهادهای سنتی آموزشی مانند مساجد، تکایا و حسینیه‌ها؛ تولید و توزیع کتاب‌ها و جزوه‌های آموزشی با کارکردهای فرهنگی در مناطق حاشیه‌ای؛ ایجاد فرهنگسراهای متعدد برای سازماندهی و جذب جوانان و نوجوانان و یادگیری فعالیت گروهی متمدنانه؛ سیاستگذاری برای پرکردن اوقات فراغت جوانان حاشیه‌نشین از طریق سازوکارهای تشویقی؛ ایجاد امکانات تفریحی در محله‌های حاشیه‌ای؛ بالابردن سطح فرهنگی و تقویت ارزش‌های معنوی در استفاده‌های مشروع از خدمات و امکانات، همچنین جلوگیری از ارتکاب به جرم خود ساکنان محل؛ ایجاد کتابخانه در محله؛ احداث فضاهای آموزشی-بهداشتی و کمک به ارتقای سطح فرهنگی مردم در زمینه تنظیم خانواده.

دولت‌ها می‌کوشند به جای نگرش مقابله و تخریب، محیطی توانمند بیافرینند که تحت برخی شرایط، مردم ساکن در محلات با استفاده از منابع و ظرفیت‌های خود بتوانند راه‌حل‌هایی محلی برای مشکلات خویش بیابند. توانمندسازی عوامل مؤثر در ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی در موارد ذیل امکان پذیر است: ایجاد صندوق‌های اعتباری محلی، برای خرده‌وام‌های مسکن و اشتغال از طریق شوراهای شهر و روستا با کمک بانک مسکن، بانک رفاه کارگران، وزارتخانه‌های تعاون، کار و امور اجتماعی، وزارت مسکن و شهرسازی؛ ایجاد صندوق‌های اعتباری عمران و بهسازی شهر یا روستا برای هماهنگی و هدایت وجوه بخش عمومی در هر محل با حمایت و همکاری وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور، شورای شهر و شهرداری؛ کمک به ارتقای روحیه مشارکت و همکاری با جذب ساکنان در تشکل‌های محلی یا جماعتی و تشکل‌های مردم‌نهاد؛ زمینه‌سازی برای ایجاد فعالیت‌های اقتصادی منطبق با شرایط و ویژگی‌های مهاجران از طریق آموزش‌های فنی حرفه‌ای و بالابردن مهارت نیروی کار؛ استفاده از نیروی کار زنان از طریق ایجاد کارگاه‌ها و آموزشگاه‌های خیاطی و قالیبافی و گلیم‌بافی.

درخصوص راهکارهای آموزشی می‌توان بیان نمود که؛ آموزش عمومی که وجه فراگیر آن در صدا و سیما مشخص می‌شود و سطح آگاهی و دانش عمومی حاشیه را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، جامعه شهری را برای منزلت‌بخشی به مهاجران غیرشور آورده می‌سازد. نظارت و برآورده ساختن نیازهای آموزش و پرورش حاشیه. تشویق ایجاد نهادهای مدنی غیررسمی برای فعالیت آموزشی در محیط‌های حاشیه‌ای: این فرایند را می‌توان از جانب نهادهای مدنی سنتی مانند مساجد و حسینیه‌ها یا

نهادهای مدنی جدید مانند شهرداری‌ها، فرهنگسراها و کتابخانه‌ها سازمان بخشید. آموزش‌های مهارتی و تقبیح سازوکارهای ناهنجاری، نقش آموزشی بیشتری را در مناطق حاشیه‌نشین برعهده دارد. ایجاد مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای برای کارگاه‌های مناطق حاشیه در مسیر عملیاتی کردن طرح‌های زودبازده. ایجاد شعب دانشگاه‌ها در مناطق حاشیه. برگزاری دوره‌های عملی مهارت‌های اجتماعی در مدارس، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، مساجد و محلات و فرهنگسراها. انتخاب نیروهای مستعد مناطق حاشیه‌نشین و انجام آموزش‌های لازم به آنان برای همیاری در برنامه‌های جامع اجتماعی و فرهنگی با هماهنگی سازمان‌های ذیربط.

ارتقای شبکه‌های زیربنایی و خدمات‌رسانی از قبیل شبکه فاضلاب، تأسیسات گاز، برق، تلفن، آب و... با حمایت بخش دولتی و با مشارکت خود مردم؛ آسفالت روکش معابر از طریق حمایت بخش دولتی یا شهرداری و با استفاده از نیروی کار ساکنان محل در ازای پرداخت حقوق به آن‌ها؛ ایجاد یک بازارچه کوچک محلی که همه مراکز تجاری پراکنده در سطح محله در آن جمع شوند؛ گذاشتن درپوش برای چاه‌های فاضلاب محل از طرف شهرداری و گذاشتن سطل‌های بزرگ زباله در انتهای هر خیابان برای ترغیب ساکنان به کمک در حفظ محیط زیست؛ حل مسئله روشنایی معابر زیرا عامل تاریکی، می‌تواند تقویت‌کننده جرائم در محله باشد؛ قراردادادن سیل‌بندهایی برای هدایت فاضلاب به کانال‌های فاضلاب از جمله راهکارهای خدماتی می‌باشد که می‌توان نام برد.

راهکارهای امنیتی را می‌توان آسیب‌شناسی دقیق ناهنجاری‌های اجتماعی درهریک از مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ؛ افزایش قدرت انتظامی حاشیه‌ها نسبت به مراکز شهرها برای کنترل شرارت و سرقت؛ شناسایی و کنترل افراد دارای سوءسابقه و جلوگیری از تحرکات مغایر با امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین؛ بررسی و کنترل توزیع و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در مناطق حاشیه به ویژه از آن جهت که آسیب‌های این مواد به جهت پایین بودن سطح سواد و آگاهی اجتماعی، در حاشیه به مراتب بیش از درون شهرها است؛ کنترل و برخورد با فساد و ناهنجاری اجتماعی حاشیه‌ها؛ ایجاد ظرفیت برخورد سریع انتظامی در موارد درگیری و خشونت محلی در حاشیه‌ها؛ ایجاد معابر ورودی و خروجی در حاشیه‌ها؛ لزوم عنایت خاص مددکاران اجتماعی و نیروی انتظامی به شهرک‌ها و روستاهای حاشیه؛ ضرورت هماهنگی میان دستگاه انتظامی و دستگاه قضایی برای مقابله جدی و کنترل ناامنی‌ها و شرارت‌های حاشیه به منظور برخورد قاطع با عوامل ناامنی. در این صورت است که جامعه حاشیه‌نشین به لحاظ امنیت، خود را در پیوستار شهری احساس می‌کند.

۳-۱- راهکارهای سیستمی جهت ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین

ساماندهی در صورت تکیه بر شناخت صحیح و دقیق جوامع حاشیه‌نشین، با مشارکت دولت و مردم می‌تواند ما را در دستیابی به برخی اهداف کوتاه مدت یاری نماید. البته همراه با آن مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی برای توسعه فضای شهری از این نقطه به بعد (حال و آینده) الزامی است. براساس دیدگاه سیستمی هر فضای جغرافیایی، هر چشم‌انداز جغرافیایی و هر محیط ساخته شده یک سیستم مکانی فضایی است که تحت تأثیر و هم‌پیوندی عوامل و عناصر مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و طبیعی در سطوح محلی، ناحیه‌ای و جهانی شکل گرفته است و توقف و شکوفایی اقتصادی، توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی مردم شهرها، با اوضاع مذکور ارتباط می‌یابد. شهر نیز یک کلیت سیستمی مکانی فضایی است که دارای اجزاء و عناصر سیاسی، اجتماعی، کالبدی و طبیعی است که در ارتباط و تأثیرات متقابل با هم نقش عمده‌ای بر کل سیستم دارند. از این‌رو در یک مطالعه شهری از حیث سیستمی باید شهر را از چهار جهت، زیر ذره‌بین قرار داد: اجزاء یا عناصر؛ ساختار؛ کارکرد؛ هم‌پیوندی.

بهترین طریق بررسی یک سیستم، شناسایی نقاط مسئله‌خیز آن است تا با شناخت این نقاط مسئله‌خیز، عوامل اصلی عدم کارایی این سیستم از میان برداشته شود. برای وصول به بافت شهری مناسب که امکان یک زندگی سالم شهری را فراهم آورد، توسعه باید متکی بر اصول و موازین شهرسازی و یک برنامه‌ریزی دقیق و پویا باشد به گونه‌ای که توزیع بهینه‌ای از جمعیت، خدمات عمومی، تأسیسات و... را داشته باشد. به بیان ساده‌تر توسعه باید به عنوان جزئی از کل سیستم دیده شود و عملکرد جزء منطبق بر عملکرد کل باشد. ساماندهی اقدامی است در راستای رسمیت بخشیدن قانونی و حقوقی به جوامع حاشیه‌نشین و بازسازی و بهسازی فضاهای حاشیه‌نشین و آماده‌سازی و اسکان ساکنین حاشیه‌نشین در فضای جدید.

از نگاه علمی و نیز به تجربه، ثابت شده است که نادیده انگاری افراد ساکن در این محل‌ها، تخریب و پراکنش اجباری و مانند آن، بدترین سیاست‌های برخورد با پدیده حاشیه‌نشینی حداقل از نگاه برنامه‌ریزی و آکادمیک می‌باشند. پدیده حاشیه‌نشینی خود پیامد عدم برنامه‌ریزی درست مدیریتی و توسعه ناکارآمد است لذا سیاست نادیده‌انگاری یا برخورد قهری به نوعی مبین عدم توانایی و کارایی مدیران و برنامه‌ریزان در اتخاذ تدابیر مناسب در این خصوص می‌باشد. بنابراین در این راستا چهار راه‌حل زیر پیشنهاد می‌گردد:

راه‌حل اول: این راهکار ضمن رسمیت بخشیدن و احترام به مالکیت ساکنین بر زمین، به دنبال جلب اعتماد و همکاری مردم از طریق مساعدت‌های داوطلبانه و انسان دوستانه و البته حساب شده دولت است. لذا اهداف عمده این راهکار به این شرح است: حفظ اسکان در فضاهای موجود؛ رسمیت

بخشیدن به مالکیت حاشیه‌نشین؛ نظم دادن و بهبود بافت و مناظر فضاهای حاشیه‌نشین؛ ایجاد زمینه‌های سیاسی، روحی، روانی، تحرک و پویایی در این جوامع. تأکید بر خودیاری و همکاری داوطلبانه ساکنان در بهسازی این مناطق از طریق جلب اعتماد آنان به فعالیت‌های دولت، تنظیم سازوکاری برای رسمیت بخشیدن به مالکیت قطعات تفکیکی تحت تصرف، پرداخت وام درازمدت، تأمین مصالح ارزان قیمت، در اختیار گذاشتن ماشین‌آلات دولتی در حد مقدمات، اخذ طولانی مدت هزینه‌های بهسازی از ساکنان، ایجاد مالکیت مشروط به مفهوم عدم قابلیت انتقال مالکیت در صورت عدم پرداخت هزینه‌های ساماندهی (ستوده، ۱۳۸۲، ۸۶).

راه‌حل دوم: تخریب و نوسازی بافت منطقه و تصحیح کلی نقشه آن ضمن رسمیت دادن به ساکنان. که به دو صورت قابل بررسی و اجرا است: استفاده از مساعدت‌های دولت با تأکید بر خودیاری مردم. به عبارت دیگر پس از تخریب مناطق فرسوده و ناهمگون فعلی با نظارت دستگاه‌های دولتی، ایجاد بناهای جدید با حمایت دولت صورت پذیرد. استفاده از پتانسیل‌ها و منابع مالی بخش خصوصی جهت بلندمرتبه‌سازی و ارائه تسهیلات برای رهن یا اجاره مسکن برای مالکان در طول دوره بازسازی اماکن و نظارت دقیق دولت در جهت احقاق حقوق کامل طرفین. راه‌حل سوم: در صورت عدم امکان بهسازی یا نوسازی فضاهای حاشیه‌نشین و حفظ اسکان در آن‌ها باید به تخصیص، آماده‌سازی، نوسازی و اسکان جدید جمعیت در فضایی دیگر پردازیم. در این راهکار، مساعدت‌های دولت بسیار حائز اهمیت بوده و بر خودیاری مردم نیز تأکید می‌گردد. راه‌حل چهارم: بسیاری از افراد حاشیه‌نشین، جزء مهاجران می‌باشند که از دیگر مناطق کشور به محل سکونت فعلی، مهاجرت کرده‌اند. در این راستا، راهکارهای اجرایی زیر، جهت بازگشت آنان به وطن اصلی، پیشنهاد می‌گردد: حل معضل بیکاری در شهرهای مبدا مهاجرت یا موطن اصلی مهاجران؛ تأمین مسکن افراد از طریق ساخت مسکن؛ پرداخت وام برای حل مشکل اشتغال و در اختیار گذاشتن امکانات دامداری و کشاورزی در روستاها و شهرهای محل سکونت؛ ایجاد بسترهای لازم برای تحصیل و آموزش فرزندان و ارتقاء سطح امکانات بهداشتی و درمانی.

لازم به ذکر است که لزوماً تمامی راهکارهای پیشنهاد شده فوق برای کلیه مناطق شهری کاربرد ندارند و در این خصوص باید به شرایط اقتصادی آن منطقه و توانایی و امکانات حاشیه‌نشینان نیز توجه شود. به عنوان مثال به نظر می‌رسد راه‌حل دوم پیشنهاد مطلوبی در جهت حل معضل حاشیه‌نشینان در منطقه تپه مهران می‌باشد در حالی که راهکارهای دیگر برای حل معضل در منطقه فرحزاد، قابلیت اجرایی بیشتری دارد.

۴-۱- برنامه‌های راهبردی-حقوقی مشکلات حاشیه‌نشینی

سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی از جمله اسنادی است که در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هماهنگی با مهم‌ترین بیانیه‌های جهانی برای تأمین سرپناه مناسب برای همه و ایجاد توسعه پایدار شهری است. این سند، حاوی برنامه‌ای راهبردی برای چاره‌جویی مشکلات ناشی از اسکان غیررسمی (به تعبیری حاشیه‌نشینی) در کشور و پیشگیری از گسترش این پدیده در آینده است. اسکان غیررسمی، مجموعه‌ای از تنگناها و مشکلات و نیز قابلیت‌ها و امکانات را در خود دارد که سیاست‌های کنونی در استفاده از امکانات نهفته آن برای فائق آمدن بر مشکلات، موفق نبوده است. واقعیت آن است که به دور از این قابلیت‌ها، شیوه‌های مداخله مستقل بخش دولتی ناکارآمد بوده و نفعی برای کم‌درآمدترین اقشار نداشته است. اسکان غیررسمی به علت نبود فضای رسمی مناسب و در حد استطاعت اقشار کم‌درآمد شهری به وجود آمده است؛ از این رو بازنگری در برخورد بخشی دولتی عمومی با این پدیده و فرایندهای برنامه‌ریزی شهری، به منظور تأمین فضای رسمی قابل زندگی برای این اقشار، یک اصل است.

زمینه‌سازی برای دسترسی همه به سرپناه از وظایف بخش دولتی عمومی است که درباره اقشار کم‌درآمد و فقیر به دلیل پاسخگو نبودن بازار به شرایط آن‌ها، دولت باید مداخله کند تا در جهت سیاست‌های اجتماعی و فقرزدایی در بعد مسکن، اقداماتی به عمل آورد. انجام وظیفه در این زمینه نه بر مبنای تأمین مستقیم همه نیازها و تصدی تمامی امور توسط بخش دولتی عمومی، بلکه از طریق فرایند تسهیل جریان امور، مشارکت فراگیر و توانمندسازی اجتماعات هدف، در برآوردن نیازهای شان صورت می‌گیرد. نقش بخش دولتی عمومی در چنین صورتی، موجب آثار فزاینده کمک‌های مستقیمی می‌شود که در هر حال برای کم‌درآمدترین اقشار، ضروری است.

بیشترین جنبه بازنگری گفته شده در برخورد با اسکان غیررسمی، سیاستگذاری نباید بر مبنای بازدارندگی از حق مهاجرت و سکونت در شهر باشد؛ بلکه باید بر مبنای تفهیم انجام تکالیف و وظایف شهروندی ساکنان در برخورداری از این حق باشد. استفاده از سرمایه‌های انسانی و اجتماعی برآمده از درون این اجتماعات، از مهم‌ترین اصول هادی در توانمندسازی و ساماندهی است. البته پی‌ریزی راه حل از درون، نافی استفاده آگاهانه و جهت‌دار از منابع بخش دولتی عمومی در این راه نیست. همچنین حداکثر استفاده از واحدهای مسکونی موجود قابل قبول با تکیه بر ارتقای محیطی و بهسازی تدریجی و نه جابه‌جایی و نوسازی تمامی مجموعه مورد نظر است. جنبه دیگری از بازنگری گفته شده، زدودن پیشداوری‌های منفی و

برخوردهای یک سویه برای نفی اسکان غیررسمی است؛ در حالی که گروهی از اقشار کم درآمد، با ابتکار و بسیج منابع خود و با تلاشی که کمترین هزینه را برای منابع بخش دولتی عمومی داشته، به نیاز برآورده نشده خود به سرپناه پاسخ داده‌اند. اصل بر هدایت و حمایت این خودیاری و ارتقای توانایی‌ها و بهبود محیط زندگی این افراد در جهت یکپارچگی و پیوند با جامعه و اسکان رسمی است.

حق اقامت و امنیت در محل سکونت برای ساکنان اسکان غیررسمی موجود باید به رسمیت شناخته شود و از تخریب و تخلیه قهری و بدون مذاکره با ساکنان درباره چگونگی تأمین فضای جایگزین پرهیز شود. در برخورد با اسکان غیررسمی، سیاستگذاری نباید بر مبنای بازدارندگی از حق مهاجرت و سکونت در شهر باشد؛ بلکه باید بر مبنای تفهیم انجام تکالیف و وظایف شهروندی ساکنان در برخورداری از این حق باشد. امتیاز و کمک دولتی بدون ترویج مشارکت فعالانه و انگیزه و تعهد در ارتقای تدریجی جمعی اعطاء نمی‌شود. از مهم‌ترین اصول ساماندهی، تقویت بنیان‌های اقتصادی اجتماعی خانواده در حکم واحد بنیادی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی است. تأمین سرپناه مناسب در حد استطاعت، ایمن و برخوردار از خدمات و زیربنای پایه، فراهم نمودن فرصت‌های شغلی پایدار با نگرشی خرد و از میان برداشتن موانع کالبدی، نقشی اساسی در تقویت این واحد بنیادی دارد. مسکن، بزرگترین سرمایه این خانواده‌ها است که امنیت، نگاهداشت و بهبود وضعیت آن سبب حفظ کیان خانواده و افزایش بهره‌وری نیروی کار و همبستگی آن با جامعه می‌شود؛ بنابراین تخصیص منابع بخش دولتی عمومی به این امر صرفاً هزینه‌ای اجتماعی محسوب نمی‌شود؛ بلکه فواید اقتصادی برای کل جامعه دربردارد (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۹).

در برخورد با اسکان غیررسمی، سیاستگذاری نباید بر مبنای بازدارندگی از حق مهاجرت و سکونت در شهر باشد؛ بلکه باید بر مبنای تفهیم انجام تکالیف و وظایف شهروندی ساکنان در برخورداری از این حق باشد. لازم است در چهارچوب راه حل‌هایی با قابلیت تعمیم و تکرار و بازگشت هزینه‌ها چاره‌جویی شود. این راهکار باید در حد استطاعت ساکنان باشد و جزئی از راهبرد توسعه شهری تلقی شود. برخورد جامع در هرگونه مداخله در جهت ساماندهی اسکان غیررسمی، یک اصل است. توسعه اجتماعی-اقتصادی را باید همزمان با اقدامات ارتقاء و بهسازی کالبدی پیشبرد و در این فرایند، با مشارکت و توانمندسازی اجتماعات محلی به ظرفیت‌سازی نهادینه شده دست یافت. همچنین لازم است با پیشنگری، بستر و زمینه اسکان اقشار کم درآمد جدید به گونه‌ای در پیرامون شهرها فراهم شود که در آینده، امکان ارتقاء و تعادل آن‌ها با اسکان شهری موجود به سادگی فراهم آید. سازماندهی و نهادسازی مدیریتی متناسب برای هدایت و حمایت ساماندهی و اسکان برنامه‌ریزی شده با مشارکت دوسویه این اجتماعات و

نهادهای محلی (به ویژه شهرداری و شورای اسلامی شهر) برای پایدارسازی اقدامات و برنامه‌ریزی‌های اجرایی و تضمین موفقیت آن‌ها ضروری است تا در نهایت، اختیار حل مشکلات اسکان غیررسمی و پیرامونی به سطح محلی واگذار شود (قماش، ۱۳۹۰، ۳۹).

۲- سیاستگذاری‌های تقنینی در خصوص حاشیه‌نشینی

۱-۲- قوانین مرتبط با حاشیه‌نشینی

ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱: بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آن‌ها در هر استان به وسیله کمیسیون به ریاست استاندار و عضویت رئیس شورای شهرستان و شهردار و نمایندگان سازمان میراث فرهنگی، مسکن و شهرسازی، وزارت کشاورزی و نماینده مهندس مشاور تهیه‌کننده طرح انجام می‌شود. آن قسمت از نقشه‌های طرح تفصیلی که به تصویب شورای شهر برسد برای شهرداری لازم‌الاجرا است. تغییرات نقشه‌های طرح تفصیلی اگر در اساس طرح جامع شهری مؤثر باشد، باید به تأیید شورای عالی شهرسازی برسد (عظیم‌زاده اردبیلی و حسابی، ۱۳۹۰، ۵۱).

۲-۲- نهادسازی و روابط نهادی

ماده ۱۱۱ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴: به منظور نوسازی شهرها، شهرداری‌ها می‌توانند از طریق تأسیس مؤسساتی با سرمایه خود، خانه‌ها، مستغلات، اراضی و محلات کهنه شهر را خریداری کنند و در صورت اقتضاء برای تجدید ساختمان، طبق طرح‌های مصوب شهرداری بفروشند و یا این که خودشان برای اجرای طرح‌های ساختمانی اقدام کنند.

۳-۲- تأمین مالی

ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷: عوارض اراضی واقع در محدوده شهر که آب لوله‌کشی و برق آن تأمین شده و فاقد ساختمان اساسی باشد، دو برابر میزان مقرر خواهد بود. تبصره دوم ماده ۱۰ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷: ساختمان‌های اساسی که به جای ساختمان‌های کهنه و قدیمی، نوسازی و تجدید بنا شوند، به مدت سه سال از تاریخ اتمام بنای مشخص شده در پروانه ساختمان از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف خواهند بود. اساسنامه سازمان عمران و بهسازی شهری: این سازمان برای تأمین مالی طرح‌های خود علاوه بر بودجه‌های عمرانی می‌تواند از شیوه‌های زیر نیز استفاده کند: انواع مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی، تحصیل وام از مؤسسات اعتباری و پولی و سیستم بانکی، انتشار اوراق مشارکت، تشکیل شرکت‌های سهامی عام و مؤسسات اعتباری غیربانکی و جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی.

۲-۴- اجراء و بهره‌برداری

ماده ۱۱۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴: شهرداری می‌تواند به مالک زمین یا بناهای مخروبه و غیرمناسب با وضع محل و یا نیمه‌تمام واقع در محدوده شهر که در خیابان یا کوچه و یا میدان قرا گرفته و منافی با پاکیزگی و پاکی و زیبایی شهر است، اخطار کند که ظرف دو ماه به ایجاد نرده یا دیوار و یا مرمت آن منطبق با نقشه مصوب شورای شهر اقدام کند. اگر مالک مسامحه یا امتناع کرد، شهرداری می‌تواند به منظور تأمین نظر و اجرای طرح مصوب شورای شهر در زمینه زیبایی و پاکیزگی و شهرسازی، هرگونه اقدامی را لازم بداند و معمول و هزینه آن را به اضافه ده درصد از مالک یا متولی و یا متصدی موقوفه دریافت کند. ماده ۱۱ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷: نسبت به اراضی واقع در محدوده شهر که فاقد ساختمان اساسی باشد و یا باغ شهری به آن اطلاق نشود، اگر مالکان تا یک سال بعد از پایان از مهلت مقرر، مشخصات و بهای املاک خود را به شهرداری اعلام نکنند، شهرداری‌ها مکلفند این گونه املاک را تصرف کنند و به قائم مقامی مالک از طریق مزایده به فروش برسانند و مطالبات خود را برداشت کنند.

نتیجه

در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ در قالب ماده ۱۳۶ به دولت اجازه داده شده بود با توجه به توانایی‌های شهرداری‌ها، آن گروه از تصدی‌های مربوط به دستگاه‌های اجرایی در رابطه با مدیریت شهری را بر اساس پیشنهاد مشترک وزارت کشور و سازمان امور اداری و استخدامی کشور به شهرداری‌ها واگذار کند، اما اقدام جدی و اساسی در این خصوص انجام نشد. همچنین بر اساس ماده ۱۵۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، با هدف رهاسازی دولت از تصدی‌های غیرضرور، دولت ملزم به شناسایی و واگذاری وظایف، امور و فعالیت‌های قابل واگذاری دستگاه‌های اجرایی به شهرداری‌ها و بخش غیردولتی و همچنین تعیین نحوه ارتباط و تنظیم مناسبات نظام اداری با شوراهای اسلامی روستا، بخش و شهر شد که این امر نیز اتفاق نیافتاد. در ماده ۱۷۳ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ دولت مجاز شده است در طول برنامه نسبت به تهیه برنامه جامع مدیریت شهری به منظور دستیابی به ساختار مناسب و مدیریت هماهنگ و یکپارچه شهری در محدوده و حریم شهرها، با رویکرد تحقق توسعه پایدار شهرها، تمرکز مدیریت از طریق واگذاری وظایف و تصدی‌های دستگاه‌های دولتی به بخش‌های خصوصی و تعاونی و شهرداری‌ها، بازنگری و به روزرسانی قوانین و مقررات شهرداری‌ها و ارتقای جایگاه شهرداری‌ها و اتحادیه آن‌ها اقدام قانونی به عمل آورد.

تهیه برنامه جامع مدیریت شهری و واگذاری فعالیت‌های قابل واگذاری دستگاه‌های اجرایی به

شهرداری‌ها نیازمند بهره‌گیری از تجربیات کشورهای دیگر در زمینه تمرکززدایی است. در نهایت این که باید گفت تجربه شوراها در ایران، تجربه‌ای جدید و مربوط به قرن اخیر است. پس شاید بتوان نوین‌باد بودن و جدیدالتأسیس بودن این نهاد را به عنوان یکی از مهم‌ترین علل ساختاری بعضی از ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های این نهاد در نظر گرفت. البته این موضوع فقط در مورد نهاد شوراها صدق نمی‌کند، بلکه درخصوص هر پدیده اجتماعی جدید چنین مشکلی صادق است. نهادهای شکل گرفته اجتماعی برای این که بتوانند عنصر جدیدی را در کنار خود جای دهند و با آن به تعامل بپردازند غالباً مقاومت نشان می‌دهند. اما وجود نهاد شوراها موجب تمرکززدایی، نهادینه کردن مردم‌سالاری، فراهم کردن ساختار و امکانات معقول و منطقی‌تر برای پاسخگویی به نیازها و تقویت کارآمدی و مشروعیت ساختار سیاسی در چشم اندازی طولانی مدت خواهد شد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ بریمانی، فرامرز؛ نصیری، یوسف، ۱۳۸۳، حاشیه‌نشینی، ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن (نمونه موردی کریم‌آباد زاهدان)، **فصلنامه جغرافیا و توسعه**، شماره ۳.
- داودپور، زهره، ۱۳۹۴، **کلانشهر تهران و سکونتگاه‌های خودرو**، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- ستوده، هدایت‌اله، ۱۳۸۲، **آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آوای نور.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و حسابی، ساره، ۱۳۹۰، سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، **فصلنامه تعالی حقوق**، شماره ۱۵.
- قماش، سعید، ۱۳۹۰، کرامت انسانی راهبرد نوین سیاست جنایی، **فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۱.
- لطفی، حیدر؛ میرزایی، مینو؛ عدالت خواه، فرداد؛ وزیرپور، شب بو، ۱۳۸۹، بحران‌های حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در مدیریت کلانشهرها و رهیافت‌های جهانی، **فصلنامه جغرافیای انسانی**، شماره ۲.
- مظفری‌زاده، سجاد، ۱۳۹۱، **ترمینولوژی جرم‌شناسی**، چاپ اول، تهران، انتشارات بهینه.